

علوی

انس با قرآن کریم ۳

داستان
سوره
ابراهیم
چشمه ای زهزمه





وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي
وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٢٥﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ
كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعْنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ
عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٦﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ
ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا
لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي
إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٢٧﴾
رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا تُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ
مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٨﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي
لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٢٩﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ
ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٣٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٣١﴾



چشمه‌ی زمزم

حضرت ابراهیم - علیه السلام - و همسرش هاجر در سرزمین شام* زندگی می‌کردند. خدا به او و همسرش هاجر در سن پیری، فرزندی بخشید. نام او را اسماعیل گذاشتند. هنوز مدّت زیادی از تولّد اسماعیل نگذشته بود که خداوند به حضرت ابراهیم فرمان داد که همسر و فرزندش را به سرزمین «مکه» ببرد و آن‌ها را در همان‌جا بگذارد و باز گردد. حضرت ابراهیم فرمان خدا را پذیرفت و هاجر و اسماعیل را بر شتری سوار کرد و به سوی مکه رفتند. وقتی به آن‌جا رسیدند، بیابانی خشک و بی‌آب و علف دیدند. در آن بیابان هیچ‌کس زندگی نمی‌کرد.

هاجر نگران شد. حضرت ابراهیم به او گفت: خدا فرمان داده است که من شما را این‌جا بگذارم، ولی نگران نباش. آن‌گاه حضرت ابراهیم دست‌های خود را به دعا بلند کرد و گفت: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي...»، پروردگارا! من به فرمان تو خانواده‌ی خود را به این سرزمین آوردم، تو نیز نگهبان آنان باش!

* سرزمین شام: نام قدیمی سرزمینی است که امروزه کشورهای سوریه، اردن، لبنان و فلسطین در آن قرار دارد.



حضرت ابراهیم، همسر و فرزندش را به خدا سپرد و به سرزمین شام برگشت.

آفتاب گرم بر همه جا می‌تابید. اسماعیل از خواب بیدار شد و چون تشنه بود شروع کرد به گریه کردن. هاجر به سراغ ظرف آب رفت، ولی یک قطره آب هم در آن نبود؛ به اطراف نگاه کرد؛ از دور آبی دید و به سوی آن دوید، اما وقتی جلو رفت متوجه شد که





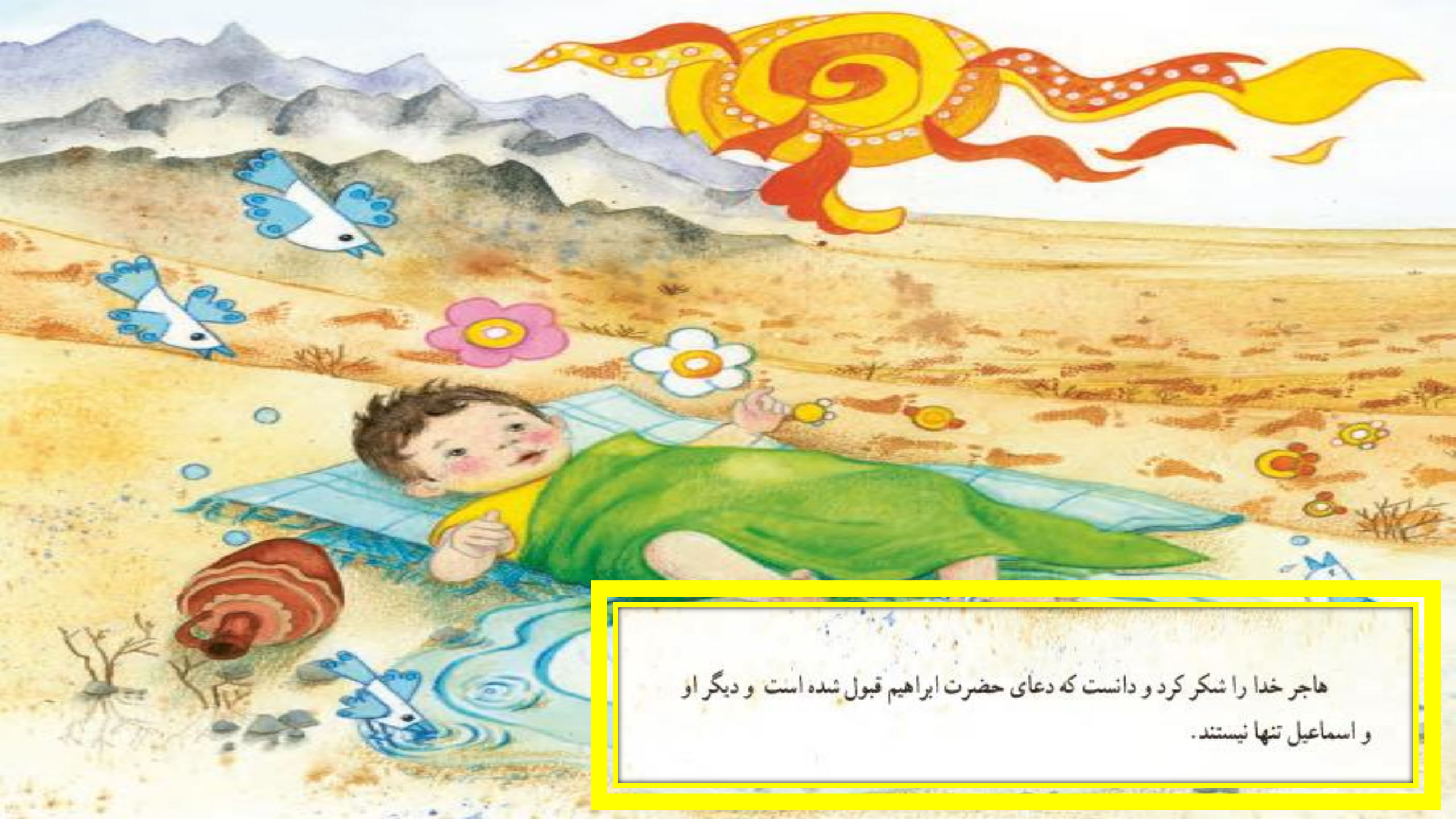
سراب* است. برگشت و به سمت دیگر نگاه کرد. دوباره آبی دید و به سوی آن دوید. اما باز هم سراب بود. او برای یافتن آب، فاصله‌ی بین دو کوه کوچکی را که آن جا بود، هفت بار طی کرد.

سرانجام هاجر خسته شد و به سراغ کودک خود رفت. ناگهان دید از زیر پای اسماعیل، همان جایی که او پاهای کوچکش را به زمین می‌زد، یک چشمه‌ی آب جوشیده و بالا آمده است. هاجر خوشحال شد و فریاد زد: خدای بزرگ! چشمه! چشمه!

نام چشمه را زَمْرَم گذاشتند. کم‌کم پرنده‌هایی هم در آن جا فرود آمدند و آب نوشیدند. مدتی بعد گروهی از صحرائنشینان به کنار چشمه آمدند و در آن جا ساکن شدند. رفته رفته تعداد آنها بیش‌تر شد و شهر مکه به وجود آمد.

* سراب: زمین خشکی است که از دور، مانند آب به نظر می‌رسد.





هاجر خدا را شکر کرد و دانست که دعای حضرت ابراهیم قبول شده است و دیگر او
و اسماعیل تنها نیستند.



تمرین نماز
سوره‌های حمد و توحید را با صدای بلند بخوانید.

تمرین نماز



انس با قرآن در خانه

حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:

قطره اما دریا

« پدرم رسول خدا، به دو فرزندم حسن و حسین

سوره‌هایی از قرآن را یاد می‌دادند.»*



انس با قرآن

سعی کنید هر روز تعدادی از آیات درس را برای اعضای خانواده‌ی خود با صدای بلند بخوانید.



انس با قرآن كريم ٤



سوره
اسرا



أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لِلآخِرَةِ
أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ
إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَقَعُدَ مَذْمُومًا مَّحْذُومًا ﴿٢٢﴾ وَ قَضَىٰ رَبُّكَ
أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ
عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا
أُفٍ وَ لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَ اخْفِضْ
لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ
إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾
وَ ءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ
وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ
الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾



شما به پدر و مادر خود چه نیکی‌هایی کرده‌اید؟

پیام قرآنی



وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

به پدر و مادر خود نیکی کنید.

سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۳

وَالِدَيْنِ : پدر و مادر إِحْسَان : نیکی

